

« بیستمین شرح از دعای ابوحمزه ثمالی »



گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است...

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ (1)

جمله های نورانی دعای ابوحمزه ثمالی نشان می دهد که وجود مبارک امام سجاد (صلوات الله و سلامه علیه) کاملاً صحنه قیامت را مشهوداً می یافت ، نه مفهوماً درک می کرد . همانطوری که از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) رسیده است : **لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا أَرْدَدْتُ يَقِيناً (2)**، این منطق همه اهل بیت (علیهم الصَّلاه و علیهم السَّلام) است . در حقیقت این ناظر به نفي موضوع است ، یعنی بین ما و جریان قیامت غطاء و حاجبی نیست . نه اینکه غطاء و پرده ای هست و اگر پرده کنار رفت ، برای ما تفاوت نمی کند . چون اگر پرده وجود داشته باشد و آویخته باشد ، یقیناً بعد از کشف غطاء اثر جدیدی به بار می آید. این صحنه را که وجود مبارک امام سجاد ترسیم می کند ، نشانه آن است که صحنه قیامت را کاملاً می بیند . آن صحنه ای که تبهکار را می آورند ، با او احتجاج می کنند ، حجت او را نقض می کنند ، نقد می کنند ، او را بدون حجت می گذارند ، دیگر زبان اش بند می آید ، توان احتجاج ندارد . هر چه در دنیا بافته بود ، آنجا پنبه می کنند . هر چه در دنیا رشته بود ، آنجا به صورت اول در می آورند . معلوم می شود چیزی در فکر او نیست ، چیزی هم بر زبان او نیست.

آنگاه چنین حالتی را وجود مبارک امام سجاد در این دعای ابوحمزه ترسیم می کند ؛ عرض می کند : **"اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي إِذَا انْفَطَعَتْ حُجَّتِي وَ كَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي"** . وقتی انسان حجت اش منقطع شد و زبان اش بند آمد ، دیگر قلب اش می طپد . عرض می کند : **خدایا ! در آن حال به من رحم بکن . برای اینکه تو يك مبداء عظیمی هستی که برای هر کار عظیم به تو امیدوارند . تو رجای منی ، من را نا امید نکن ، وقتی که فاقت ام و نیازم شدید شد . مرا در اثر جهل ام ، غفلت ام رد نکن ! مرا در اثر کمی صبر ام منع نکن . به فقر من رحم بکن و به من عطا بکن ، به ضعف من رحم بکن ، من را ببخش .**

چون انسان در دنیا قدرت صبر ندارد . اگر قدرت صبر داشته باشد ، هم صبر بر طاعت دارد ، هم صبر از معصیت دارد ، هم صبر بر مصیبت . و چنین انسانی می تواند تباہی را ترک کند . وقتی انسان در برابر يك مقدار حوادث جزئی نتوانست صبر بکند یا پرهیز از برخی از مُشْتَهَات نتوانست صبر بکند ، چنین انسانی چگونه می تواند در برابر آن آتش الهی صابر باشد ؟ کیفیت عجز از آن آتش را در دعای کمیل کاملاً ترسیم کرده است . انسانی که نمی تواند در حوادث تلخ دنیا با اینکه سطحی است و زود گذر ، صبر کند ، چگونه می تواند در برابر عذاب الهی که هم عمیق است و هم دیر پای صابر باشد ؟!

عرض می کند : **"سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَ مَعُولِي وَ رَجَائِي وَ تَوَكَّلِي"** . این تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است . یعنی تنها امید من ، تکیه گاه من تویی ! و به رحمت تو من متعلق ام و به فناء تو رَحَل ام و بارم را انداختم . این که ما درباره پیروان سید الشهداء عرض می کنیم : **وَ عَلَيَّ**

الأرواح الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَانِكَ (3)، (فنا) یعنی آستان . اینجا هم امام سجاد عرض می کند : من به فناء تو و آستان تو بارانداز کردم . جایی دیگری نیست . نه اینکه جایی دیگری هست و من می توانم بروم ، ولی تو را ترجیح دادم ! اصلاً هیچ راهی نیست . همانطور که خودت فرمودی : **إِنَّ تَذَهُبُونَ (4)**، من باور کرده ام و یافتم و می بینم هیچ راهی نیست ، تنها پیشگاه تو و بارگاه تو .
بعد می فرماید:

"و بِجُودِكَ أَقْصَدُ طَلِبَتِي وَ كَرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي وَ لَدَيْكَ أَرْجُو سَدَّ فِاقَتِي وَ بِعِنَايَتِكَ أُجِيرُ عَيْلَتِي" .

همة اینها از باب تقدیم ظرف و یا تقدیم خبر ، مفید حصر است . یعنی تنها جایی که من به کرم تو است . کرم توست . تنها جایی که من برای دعا دست را باز می کنم و درها را گشوده می بینم ، در رحمت توست . و در نزد تو من فاقت ام را مسدود می کنم و حاجت ام را بر طرف می کنم . و آن عیلوله و فقر و دشواری و عائله مندی و تنگ دستی ام را با عنایت تو جبران می کنم . و تحت ظلّ عفو تو قیام و قعود دارم . اینچنین نیست که انسان بتواند بدون عفو الهی قیام داشته باشد ، زمین گیر خواهد بود . در پرتو نور عفو تو و همچنین در سایه شاخص عفو تو من قیام دارم . و به جود و کرم تو چشم دوختم و چشم ام را بلند می کنم و به معروف تو اَدِيمُ نَظَرِي . آن چه را که عقل می پسندد و شرع می پسندد و عطایای معروف تو باعث می شود که من نظرم را دائماً به آن سمت متوجه کنم . پس مرا با آتش نسوزان ، تو مورد امید منی و مرا در هاویه جا نده ، برای اینکه تو قَرّه عین منی ، تو هرگز گمان خوب مؤمنان را طرد نکردی ، و من کسی هستم که به شما حسن مَظَنَّت دارم.

آنگاه عرض می کند : خدایا ! تو خودت در قرآن به ما فرمودی : **وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (5)**، پروردگارا ! اگر مرگ من نزدیک است و عمل من مرا به تو نزدیک نکرده است ، من یک وسیله دارم و آن این است : **" وَ قَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي وَ سَأَلْتُ عِلْمِي" .** پروردگارا ! من اقرار به گناه را وسیله می دانم . فرمودی : **"وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ" ،** عمل صالح ای به عنوان عبادات و طاعات ندارم که وسیله من باشد . فقط اقرارم وسیله من است . اعتراف می کنم که بد کردم.

در نوبت های قبل به عرضتان رسید که اقرارها یکسان نیست . بعضی از اقرارها از قبیل اقرار به گناه و مانند آن است . بعضی از اقرارها ، اقرار به این است که اصلاً هستی ما در اختیار ما نیست و امانت است . نه تنها انسان اقرار می کند که بد کرده است ، اعتراف کرده است که امانت دار خدا بود ، اصلاً هستی او مال ذات اقدس اله بود که به عنوان امانت به این داده است . و برخی از این وسائل خیلی برجسته و بالاتر است.

همان است که در صحیفه سجادیه اشاره شد که : **وَ وَسِيَلَتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدَ وَ أَنِّي لَمْ أُشْرِكْ بِكَ شَيْئاً (6)** . وسیله مرا تویی دارد ، بهترین وسیله همان توحید است و نزهت از شرک . بعد عبادات وسیله است و مانند آن . اینکه در صحیفه سجادیه بر اساس اینکه اَلدُّعَاءُ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضاً گذشت ، به این صورت بود که : بهترین و بالاترین وسیله ای که عبد را به مولا نزدیک می کند ، همان توحید اوست . **وَ وَسِيَلَتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدَ وَ أَنِّي لَمْ أُشْرِكْ بِكَ شَيْئاً .**

اما اینجا عرض می کند : خدایا ! من اگر مرگ ام نزدیک است و عمل صالح ای ندارم که مرا به تو نزدیک بکند ، اقرار را وسیله قرار دادم . پروردگارا ! تو اگر عفو بکنی ، از تو اولی به عفو کیست؟! و اگر عذاب بکنی ، از تو عادل تر از تعذیب کیست؟! عفو عین کرم است ، نه استحقاق ما . و تعذیب ات عین عدل است ، نه جور . در این دنیا تنهایی ما را رحم بکن . ما تنهاییم ، برای اینکه اکثر افراد انسان دنیا زده اند که **حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ (7)** . هم اکثری فرزندان دنیا بیند و هر کسی مادر خود را دوست دارد . و ما فرزندان آخرت ایم و به آخرت علاقمند ایم . و هنگام مرگ آن رنج ام را بر طرف بکن و در قبر تنهایی مرا ، در لحد وحشت مرا و هنگام برخاستن برای حساب ، آن دَلُّ و خواری مرا رحم بکن و همة اینها را به عزّت و جلال و شکوه خودت مبدّل بکن!

امیدواریم برای همة ما اینچنین باشد.

پي نوشتها:

- (1) سورة نمل / آية 62
- (2) بحار الأنوار / جلد 46 / صفحة 135 ، جلد 48 / صفحة 304 و?
- (3) مفاتيح الجنان / زیارت عاشورا
- (4) سورة تكوير / آية 26
- (5) سورة مائده / آية 35
- (6) صحيفة سجاديّه / دعای 49 - وَ كَانَ دُعَاؤُهُ (ع) فِي كَيْدِ الْأَعْدَاءِ..
- (7) كافي / جلد 2 / صفحة 130

برگرفته از سخنان آیت الله جوادی آملي